

تلاش ناکام تجربه‌گرایان برای نفی علیت

علیت زنده است چون خدا زنده است!



■ **محمد امین مهتدی**

تجربه‌گرایی از جمله گرایش‌های مهم مطرح شده در مقابل عقل‌گرایی در غرب است. طبق این نگرش کلیه معارف قابل حصول بشری صرفاً بر آمده از تجربه است. منظور از تجربه در اولویت اول ادراکات با مبادی مستقیم حسی و در اولویت بعد در یافت‌هایی مانند حافظه یا گواهی دیگران است. این مفهوم اذعان می‌دارد روش تحقیق باید به گونه‌ای باشد که ابزارهای حسی بر نتیجه مطالعات صحت بگذاراند. موضوعات قابل مطالعه علمی نیز صرفاً موضوعاتی هستند که به صورت تجربی قابلیت آزمایش داشته باشند. تجربه‌گرایان می‌گویند چنین الفا کنند که هیچ‌گونه دانتنی را نمی‌شود مورد استنباط قرار داد جز آنکه از تجربه حسی یک یا چند انسان نشئت بگیرد. همین ادعا دقیقاً مقابل نظر به عقل‌گرایی است که دانش را مستندترک از حواس و مستدرک از عقل می‌انگارد.

■ ■ ■

یکی از پایه‌های ادعای تجربه‌گرایی چون دیوید هیوم (به عنوان پدر آپریسم) در روش استقرا به عنوان یک اصل منطقی است. هیوم این سؤال را مطرح می‌کند که «یا اساساً استقرا روشی موجه و معقول است؟» و به آن بحث‌های وارد نیست؟ همین علامت سؤال طی سالیان بعد بسبب‌سازی از علوم را با خدشه از نظر اعتبار موجه می‌سازد.

هیوم بر این باور بود که استقرا یک فرایند صرفاً روانی است. نه منطقا و نه بطور تجربی نمی‌توان استقرا را موجه جلوه داد.

وی معتقد است‌از حیث منطقی اینکه تاکنون هر روز خورشید طلوع کرده است هیچ ارتباطی به این امر ندارد که فردا هم طلوع کند. همان‌طور که یک جوجه ممکن است فکر کند که زن مزرعه‌دار هر روز به او غذا می‌دهد اما بعد از چند سال یک روز زن مزرعه‌دار مثل هر روز سر برسد با این تفاوت که این بار سر جوجه را ببرد. استقرا صرفاً یک فرایند روانی موجه است.

از نظر تجربی نیز هیوم می‌گوید شاید ادعا شود که می‌توان استقرا را با تجربه موجه کرد. در این حالت می‌توانیم بگوییم که دانشمندان علوم طبیعی از استقرا استفاده کرده و می‌کنند و این کار بسیار برای علم مفید بوده است. پس استقرا مفید و موجه است، اما اگر یک بار دیگر این استدلال را تحلیل کنیم می‌بینیم که دچار دوراست زیرا در خود آن از استقرا استفاده شده است.

گرچه اشکالات به استقرا‌گرایی خصوصاً در روش استقرا ناقص وارد است و فلاسفه اسلامی نیز استقرا ناقص صرف و املاک حجیت برنشمردند اما زیر سؤال بردن اساسی آن امری بود که فقط از هیوم برمی‌آمد.

اما جایگزین هیوم برای روش‌های منطقی تنها یک مسیر است؛ تجربه‌گرایی.

چنانچه بیان شد هیوم در تجربه‌گرایی و تکیه بر آن مسیری افراطی پیش گرفته و تا آن حد به پیش می‌رود که حتی دانش‌های صرفاً عقلی مثل منطق و ریاضیات را در حالی مفید می‌داند که بتوان بر اساس تجربه آن را آزمود. مبنای معرفتی هیوم بدان جا می‌رسد که علوم را به دو قسمت دسته‌بندی می‌کند: علوم انتزاعی محض که هیچ حکمی درباره واقع نمی‌دهند مانند ریاضیات و منطق؛ و علوم که در‌ساره واقعیت حکم می‌کنند مانند تاریخ، فیزیک و شیمی. وی سایر دانش‌ها را از درجه اعتبار ساقط می‌داند و علمی بودن ریاضی و منطق را نیز به این اعتبار می‌داند که بر خاسته از تجربه هستند و با پژوهش‌های آزمایشگاهی و رصدخانه‌ای بتوان صحت آن را مورد تأیید قرار داد.

■ **محلّه به علیت و استقرا**

نقد هیوم بر اصل علیت با انتقاد او به روش استقرا پیوندی نزدیک دارد. او با تردید در روش استقرا هم‌زمان امکان اثبات قوانین علمی و امکان اثبات پیوندهای علی را نفی کرده و می‌کوشد چنین بنماید که با مشاهده گذشته نمی‌توان به تبیین آینده پرداخت. او بر خورد دو گوی

با یکدیگر را مثال می‌زند و استدلال می‌کند در چنین بر خوردی چیزی به نام علیت یا اثر گذاری قابل مشاهده نیست و تنها می‌توان مشاهده کرد پس از برخورد یک گوی به گوی دیگر، گوی دوم نیز حرکت می‌کند و این تکرار و توالی، برای دانشمند چنین تداعی می‌کند که گوی اول علت حرکت گوی دوم است.

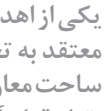
او در رساله «درباره طبیعت انسانی» پیرامون ناتوانی عقل از دستیابی به مفهوم علیت می‌گوید: «نه‌اینکه عقل ما قادر به کشف به هم پیوستگی نهایی علت و معلول نیست بلکه حتی بعد از اینکه تجربه ما را از به هم پیوستگی آنها مطلع کند، برای عقل ناممکن است که آن تجربه را به ماورای آن موارد جزئی که مورد مشاهده ما قرار گرفته‌اند، گسترش دهد. زیرا عقل ب‌رده انفصالات است و هرگز نمی‌تواند مقام و منصفی جز خدمت کردن به آنها و متابعت از آنها را مدعی شود.»

استدلال وی بر اساس مبانی تجربی گرایانه این است که از تکرار یک رویداد در گذشته، دلیل کافی برای تکرار آن در آینده پدید نمی‌آید. پیش‌بینی آینده از نظر وی منوط به پذیرش اصل یکنواختی طبیعت است که به اعتقاد وی دلایل تجربی کافی برای چنین فرضی وجود ندارد و تضمینی نیست آینده نیز مانند گذشته باشد.

اما پرسش مهمی که اینجا مطرح است آنکه اگر یافته‌های مبتنی بر استقرا و علیت حجیتی ندارند، پس چرا انسان‌ها تا این حد به قوانین علمی باور دارند؟ هیوم این‌گونه پاسخ می‌دهد که این اعتماد دلیل عقلانی ندارد بلکه علت روانی دارد. این اعتماد به دلیل عادت یا نوعی تداعی روان‌شناختی حاصل تکرار رویدادها است. مشاهده مکرر رویدادهای مشابه تنها سبب می‌شود فرد به آن عادت کرده و انتظار تداوم آن را داشته باشد. آنچه به عنوان قانون کلی علوم بیان می‌شود درواقع صرفاً برخاسته از همین انتظارات است نه علل عقلانی.

دیدگاه هیوم درخصوص تجربه‌گرایی و در انتقاد به علیت گرچه طرفداران زیادی پیدا کرد و بعدها فلاسفه دیگر نیز این سخنان را در قالب‌های دیگری بیان کردند اما دارای اشکالات فراوانی است.

یکی از اشکالات آن است که ادعای هیوم در خصوص همه قوانین علمی کاربرد ندارد. مثلاً پدیده‌هایی نادر مثل بازگشت یک ستاره دنباله‌دار پس از چندین سال، بر



یکی از اهداف مسلم هیوم و غرب‌گرایان

معتقد به تجربه‌گرایی، حذف دین از ساحت معارف بشری با انکار اصلی‌ترین نقطه قوام آن یعنی وجود خداوند است



اندیشه



بسیاری از اندیشمندان غرب ر دپه‌هایی بر ادعای تجربه‌گرایان نوشته‌اند. به عنوان مثال کانت این صحبت هیوم را قبول نداشت که اعتقاد ما به علیت به سبب تجربه‌های پیشین ما از جهان است بلکه او معتقد بود انسان‌ها علیت را در جهان به روشنی می‌بینند و آن را ادراک می‌کنند زیرا این‌طور قوام یافته‌اند.
راسل نیز مسئله انکار علیت توسط هیوم را نظر به‌ای مضحک می‌دانست

خردوری سروکار ندارد و شایسته اطلاق لفظ «فلسفه» نیست چرا که اساساً با خردورزی و منطق بیگانه است.
جالب است که حتی خود هیوم که پدر شکایت در اصل علیت است، هیچ‌گاه حاضر نمی‌شود خود را برخلاف این اصل دچار رفتار مخاطره‌آمیز کند.

از نظر او با وجود این که رابطه علی در عالم هستی، توجیه عقلانی ندارد و صرفاً از عادات و مفروضات ما برخاسته است ولی خودش در جایی معترف می‌شود با این حال عقاقلانه نیست که برخلاف علیت، خودم را از پنجره به بیرون برتاب کنم.

بسیاری از اندیشمندان غرب نیز دره‌هایی بر ادعای تجربه‌گرایان نوشته‌اند. به عنوان مثال کانت این صحبت هیوم را قبول نداشت که اعتقاد ما به علیت به سبب تجربه‌های پیشین ما از جهان است بلکه او معتقد بود انسان‌ها علیت را در جهان به روشنی می‌بینند و آن را ادراک می‌کنند زیرا این‌طور قوام یافته‌اند.
راسل نیز مسئله انکار علیت توسط هیوم را نظر به‌ای مضحک می‌دانست.

■ **جنگ با علیت؛ جنگ با خدا**

یکی از اهداف مسلم هیوم و غرب‌گرایان معتقد به تجربه‌گرایی، حذف دین از ساحت معارف بشری با انکار اصلی‌ترین نقطه قوام آن یعنی وجود خداوند است. خود هیوم به‌شدت به نادیده انگاشتن آموزه‌های دینی و حتی مبارزه با خدا‌گرایی پرداخت. و صراحتاً چنین ابراز می‌داشت که در‌ساره هیچ امر واقعی ارائه برهان پیشینی ممکن نخواهد بود. به عنوان مثال به نحو پیشین نمی‌توانیم اثبات کنیم که آیا جهان از خدا نشئت می‌گیرد یا نه؟ آیا عمری ابدی داریم یا نه؟ آیا جوهری وجود دارد یا نه؟ او باور دارد که ما هرچه می‌بایم تنها تصور ذهنی، خود ذهن نیز تصوریش نیست، ذهن وجود واقعی ندارد. از این گذشته، خدا نیز تنها تصویری است در ذهن انسان؛ پس خدا نیز وجود واقعی ندارد. زیرا میان تصور خدا و دیگر موجودات تمایزی نیست. هیوم کتابی به نام «محرورات» درباره دین طبیعی نگاشته که در آن کتاب، شش‌صورتی فرشی به نام «تلائشتن» از برهان نظم برای اثبات خداوند (بر گرفته از اصل علیت) دفاع می‌کند و شخصی فرضی دیگری به نام «فیلون» بر آن خدشه وارد می‌سازد و به این ترتیب میان این دو نفر محاوره صورت می‌گیرد.

البته هیوم شخصاً خود را ماتریالیست نمی‌داند بلکه تلاش می‌کند ثابت کند اذله‌ای که الیون برپایه اصل علیت اقامه کرده‌اند، استحکام علمی ندارد؛ همچنین که ادلهٔ ماژویون نیز اگر مبتنی بر این اصل باشد چنین است.
نمّره تلاش‌های الهادی وی در همین عبارات هیوم خلاصه می‌شود: «به‌رغم ادعاهایی که می‌کنند، جهان درواقع چندان شبیه مصنوع انسانی نیست... حیوانات و گیاهان برخلاف ساعت‌ها، نه به واسطه طرح و نقشه‌ای عقاقلانه، بلکه از راه تولید مثل طبیعی به وجود می‌آیند.»

■ **فرجام سخن**

چنانچه از مطالعه نظرات هیوم و بررسی آن مشخص می‌شود اولاً انکار علیت توسط وی دارای تناقض‌هایی بی‌پاسخ است و ثانیاً بسیاری از فلاسفه غرب خودشان نظریات تجربه‌گرایانه هیوم را باطل اعلام کرده‌اند و بالاتر از همه اینها خودش هم اعتراف می‌کند در رفتار روزمره مجبور است از اصل علیت تبعیت کند لذا تلاش عدعای از آنتیست‌های عصر ما که به انکای نظریات منسوخ هیوم معروفی وی به عنوان «پیامبر بی‌خدایان» می‌کوشند مفروضات باطل خود را علمی جلوه دهند چندان قابل اعتنا نیست.

گرچه طی چند دهه اخیر با طرح برخی نظریات در حوزه فیزیک کوانتوم و اصل عدم قطعیت، یک بار دیگر این اصل مورد تهاجم قرار گرفته و به منکران علیت جسارتی دوباره بخشیده است. به دلیل مفصل بودن رابطه نظریات جدید با اصل علیت و خدابلوری، در یادداشت دیگری در روزنامه به اینکه آیا واقعاً فیزیک کوانتوم اصل علیت را نقض می‌کند یا خیر پرداخته خواهد شد.

صرات

غریز دگی خائئانه، غریز دگی جاهلانه



عده‌ای از غریزده‌ها از صد سال پیش تبلیغ کردند که اگر می‌خواهید کشورتان پیشرفته بشود و ایران جلو بیفتد، بایستی بروید در ذیل غرب تعریف بشوید – غریز دگی؛ همان تعبیر غریز دگی است که مرحوم آل احمد مطرح کرد و نوشت – این فکر غلطی بود؛ حالا در مورد بعضی از آن کسانی که این فکر را القا می‌کردند، خائئانه هم بود، اناً! بعضی خائئانه نبود، جاهلانه بود. امروز هم هنوز کسانی از دنباله‌های آنها – و باید گفت تفاله‌های آنها– همین فکر‌ها را ترویج می‌کنند که «ما در ذیل غرب بایستی پیشرفت کنیم»، نه، ۵۰ سال،

کشور در زمان دوران پهلوی در ذیل غرب زندگی کرد؛ ۵۰سال! یک مدتی در آن اواسط رضاخان در ذیل آلمان، بعد یک مدتی در ذیل امریکا تا آخر؛ چه پیشرفتی برای کشور حاصل شد؟ جز بدبختی، جز عقب‌افتادگی، جز نابود شدن سرمایه‌های اساسی کشور، چه عاید کشور شد؟ تخیر، در ذیل غرب نمی‌شود، نمی‌توان پیشرفت کرد؛! آن کسی که این حرف را بزند که کشور در ذیل غرب ممکن است پیشرفت بکند، خائن به کشور است اگر بداند چه می‌گوید؛ ممکن هم هست جاهل باشد. این ملت اما بیدار شده است، زنده شده است. این به خاطر انقلاب است. این روح انقلابی، هر چه در ملت زنده‌تر و پویاتر باشد، روح نوآوری و ابتکار و خلاقیت زنده‌تر خواهد بود؛ همچنانی که خود انقلاب هم یک نوآوری بزرگ بود. امام با انقلاب اسلامی و با تشکیل جمهوری اسلامی راه میانه عقب‌ماندگی و غریز دگی را ترسیم کرد. ملت‌ها تصور می‌کردند یا باید عقب‌مانده بمانند یا باید غریزده ششوند؛ امام نشان دادند که نه، یک راه مستقیم، یک صراط مستقیم وجود دارد که انسان اسیر غرب هم نشود، غریزده هم نشود اما راه ترقی و پیشرفت و تعالی را طی کند؛ ملت ایران این راه را طی کرده است. جوان‌های عزیز! برای پیشرفت و تعالی کشور تان، هر چه می‌توانید به این صراط مستقیم تمسک کنید. با انکا به خدای متعال و اعتقاد به نیروی درونی خود می‌توانید همه موانع را از سر راه بردارید.

بیانات رهبر انقلاب ۱۳۹۶/۰۷/۲۶

پیشخوان

شماره جدید فرهنگ امروز منتشر شد

پرونده تلاش شد به همه مواضع پرداخته شود. در همین راستا گفت‌وگوهایی با احسان شریعتی، محمد رحبی و موسی اکرمی انجام شده که موضع گیری‌های هر کدام بسیار جالب توجه است. همچنین احسان ناجیک در مقاله‌ای با بررسی میراث مبهم هایدگر برای فریدید به این پرسش پاسخ داد که اگر فریدید زنده بود چگونه می‌اندیشید. همچنین روح‌الله اسلامی به این موضوع پرداخت که آثار کرین و داروین و فریدید در تداوم پدیدارشناسی در ایران است. همچنین در این پرونده نگاهی هم به مستند «تئوریسین خشونت» شده و در نهایت هر آنچه فریدید نگاشت و در مورد او نگاشته شد در یک مقاله به صورت یکجا آورده شده است.

پرونده‌ای ویژه سیر مواجهه ایران با غرب و عملکرد دیپلماسی ایرانی بر لزوم درک فهم تاریخیت امور منتشر شد.

به گزارش «جوان»، مواجهه امروز ما با غرب نزدیک به موسولینی تا مقاومت در برابر فاشیسم و ماشین جنگی آن و رسیدن به عرفان مسیحی در آثار متأخرش نگاهی داشته است. در این پرونده فرهنگ امروز مصاحبه‌ای داشته با سیدنی گوتلیب استاد ارتباطات و رسانه در امریکا که معتقد است روسلینی از چارچوب‌های تعریف شده نئولیبرالیسم فراتر می‌رود. همچنین دو مصاحبه از روسلینی و دو مقاله یکی از پیتر باندانلا و دیگری از پیتر برونت در مورد نشانه‌شناسی فیلم‌های روسلینی ترجمه شده است. بررسی سه گانه فاشیسم روسلینی، مفهوم‌دینی زایش و حیات به مثابه راه‌های غلبه بر اضطراب اگر پستانسیال از دیگر مطالب این پرونده است.

در بخش پیشخوان مصاحبه با زرگری نژاد در مورد کتاب تازه منتشرشده‌اش با عنوان «اندیشه و سیاست در ایران قاجار» و مصاحبه مفصل و بسیار مفید با مصطفی مهراآیین در مورد پروژه بزرگی که در مورد ایدئولوژی و انقلاب اسلامی آن در دست دارد قابل توجه است. همچنین مصاحبه با حسن شجاعی دیوکلاپی در مورد کتاب توسعه‌یافتگی و صنعتی‌سازی و نقد و بررسی کتاب‌هایی چون دانشنامه جنگ و صلح، تاریخ فلسفه غرب، چندین کتاب دیگر از مطالب بخش پیشخوان هستند.

بخش گزارش اما چند مصاحبه مهم را دربر می‌گیرد. یکی مصاحبه با فرهنگ رحایی در مورد تجربه تحصیل در خارج از ایران، مصاحبه با رضا شعبانی در مورد تاریخ نگاری، گفت‌وگو با سیدمحمدتقی چاووشی در مورد پژوهش جدیدش با موضوع «نسب ما و حکمت متعالیه». همچنین متن مقاله جدیدی از دکتر رضا داوری اردکانسی در این شماره به چاپ رسیده است.

شماره بیست‌وهفتم نشریه فرهنگ امروز به مدیرمسئولی امیرابراهیم رسولی و سردبیری بهزاد جامه‌بزرگ در ۱۲۸ صفحه منتشر شده است.

